





شرح دعای ۱۷ صحیفه سجادیه

پناه بخدا از شر شیطان و مکر و حيله او

نیایش آن حضرت نفرین بر شیطان

نویسنده و محقق: فاطمه پورشفیعی

فروردین سال ۹۷

مقدمه:

براستی این شیطان ملامت گر و سوسه گر چیست، کیست؟

وقتی تسلیمش می شوی ولت نمی کند تا برای او سجده نمایی. تازه در آخرت هم تو را رها نمی کند، او نمی گوید گناه تو بخاطر و سوسه های من بود. او تو را ملامت می کند که چرا به حرفش گوش دادی و تسلیمش شدی!

می دانی مشکل کجاست؟

مشکل خودت هستی که بی اراده ای!

مشکل خودت هستی که عاشق دنیایی و پرهیزگاری را نیاموخته ای -

مشکل غفلت تو و سهل انگاریت در شناخت و کسب معارف اسلامی است.

مشکل روح نا آرام توست که راه درمانش را نیافتی!

مشکل انتخاب نادرست مسیر زندگی است!

مشکل تو در بی هدفی و نا آشنایی با مهارت‌های اجتماعی است.

مشکل تو در گم کردن معشوق است چون اگر عاشق واقعی بودی معشوق را هرگز گم نمی کردی و به سوی ضد ارزشها پناه نمی بردی.

شیطان رانده شده در برابر خدا ایستاد و به خدا قسم خورد که تا قیامت مردم را از چهار سو مورد حمله قرار می دهیم!

تو چرا شیطان را در رسیدن به اهدافش یاری کردی؟

تو چرا در کلاس شیطان وارد شدی، و جنگی که او با خدا شروع کرد، ادامه اش دادی؟

خون ریخته شده شهدای اسلام، پاسداری می خواهد - خون ریخته شده ائمه (ع)، پاسداری می خواهد - خون ریخته شده حق داران برای بقاء اسلام و مسلمین، پاسداری می خواهد،

کجایند منتقم ها؟

چرا خاموش مانده اند و دنیای با شکوه عزّت و مردانگی را با نمایشی از جهل و نادانی پر کرده اند تا در هر گوشه و کنار آن، شیاطین انس با رنگ و لعابهای لائیک و فرماسونری و فمینیسم و غیره میدان را محل جولانگاه قدرت و قدرت طلبی خود قرار دهند و خدا را به فراموشی بسپارند و بر طبق موازین غیر اسلامی حرکت ناپسندِ استقبال از بی هویتی را به نمایش بگذارند، تا زن و مرد در کنار هم در عملکرد خود بجای تو دهنی به دشمن یهود و نصارا، هویتی دگرگون و لائیک پسند داشته باشند. اینها نزع شیطان در وجود انسان است. اینان تا خود را نیابند و به هویت خود پی نبرند همچنان در گمراهی و ضلالت غوطه وراند و جز خسر الدنیا و الاخره نصیب دیگری ندارند. و علاوه بر آن، این بازندگان دنیا و آخرت همواره اشک حسرت بر رویشان جاری است. ایکاش این انسان می فهمید و نادان نبود و برای خود ارزشی قائل بود و بدنبال بی ارزشی و بی هویتی حرکت نمی کرد.

من الله التوفیق

متن دعا:

وَ كَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا ذُكِرَ الشَّيْطَانُ فَاسْتَعَاذَ مِنْهُ وَ مِنْ عَدَاوَتِهِ وَ كَيْدِهِ  
اللَّهُمَّ إِنَّا نَعُوذُ بِكَ مِنْ نَزَعَاتِ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ وَ كَيْدِهِ وَ مَكَايِدِهِ، وَ مِنْ الثَّقَةِ بِأَمَانِيهِ وَ مَوَاعِيدِهِ وَ  
عُرُورِهِ وَ مَصَايِدِهِ. وَ أَنْ يُطْمِعَ نَفْسَهُ فِي إِضْلَالِنَا عَنْ طَاعَتِكَ، وَ امْتِهَانِنَا بِمَعْصِيَتِكَ، أَوْ أَنْ يَحْسُنَ  
عِنْدَنَا مَا حَسَّنَ لَنَا، أَوْ أَنْ يَثْقُلَ عَلَيْنَا مَا كَرِهَ إِلَيْنَا.

### نیایش آن حضرت در نفرین بر شیطان

شرح فراز اول:

خدایا، پناه می‌برم به تو از وسوسه‌های شیطان رانده شده و فتنه‌ها و فتنه انگیزی‌های او و تکیه کردن بر آنچه در  
دل‌ها می‌افکند و نویدها و فریب‌های او و افتادن به دام‌های او  
و طمع ورزیدن او در این که ما را از جاده‌ی طاعت تو باز گرداند و به نافرمانی تو خوارمان سازد. پناه می‌بریم  
به تو که آنچه را شیطان در چشم ما می‌آراید زیبا ببینیم و آنچه را زشت جلوه می‌دهد گران پنداریم.  
لو لا أن الشیاطین یحومون علی قلوب بنی آدم لننظروا الی ملکوت السموات و الارض (اصول کافی ۱۴۰/۲)  
اگر نبود که شیاطین در طرف قلبهای فرزندان آدم حضور یابند هر آینه به ملکوت آسمانها و زمین می  
نگریستند.

شیطان در لغت: شیطان یعنی دور شده از رحمت پروردگار. مراد همان موجود نافرمان و تند خو است که از  
رحمت خدا دور شده است. بخاطر همین به او رجیم می‌گویند.

برای ورود به شرح این دعا ابتدا لغات آنرا شرح می‌دهیم و با شرح لغات مفهوم حاصل می‌گردد.  
نزغ در لغت:

نَزَعُ الشَّيْطَانِ: وسوسه شیطان که انسان را به ارتکاب گناه بکشاند سخنی که با آن مردم را بفریبند،  
وَإِمَّا يَنْزَغَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْعٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ.

و هرگاه وسوسه‌ای از شیطان به تو رسد، به خدا پناه بر؛ که او شنونده و داناست.

إِمَّا يَنْزَغَنَّكَ، نوع مفسرین نَزَغ را بوسوسه شیطان تفسیر کردند که اگر در قلب شما وسوسه کرد که وادار بامر قبیح و زشت و معصیت و شرّی کند باید پناه ببری بخدا و استعاذه کنی لکن اینکه اشتباه بزرگی است و قلوب مطهره آن حضرت و اوصیاء آن از وسوسه شیاطین خالیست زیرا در مقام خود ثابت کرده‌ایم که از برای قلوب دو باب است یکی باب ملائکه است و دیگری باب شیاطین و خطورات قلبیه اگر از طرف ملائکه باشد الهامش گویند و از شیاطین وسوسه نام نهند و باب ملائکه اخلاق حمیده است و باب شیاطین صفات خبیثه و کسی که جامع جمیع صفات حمیده باشد و منزّه از جمیع اخلاق خبیثه و در این باب وسوسه شیطان مسدود است بر او و وسوسه در قلب او داخل نمیشود و اینکه خاندان مستکمل جمیع کمالات و صفات حسنه و خالی از جمیع نواقص و صفات قبیحه هستند شیطان راه بآنها پیدا نمیکند مِنَ الشَّيْطَانِ نَزَغٌ و مراد از نَزَغٌ وسوسه شیطان نسبت بقوم آن حضرت است که وادار میکند آنها را بر مخالفت آن حضرت و اذیت بآن بزرگوار .

(اطیب البیان فی تفسیر القرآن، سید عبدالحسین طیب، تهران: انتشارات اسلام، ۱۳۷۸ ش، چاپ دوم)

مکر در لغت: تدبیر، اعم از آنکه در کار بد باشد و یا در کار خوب . مکر آن است که شخص را به حيله ای از مقصودش منصرف کنی و آن دو نوع است ، محمود و مذموم ، محمود آن است که از آن کار خوب مراد باشد و مذموم بر عکس – المنار گفته : مکر در اصل تدبیر مخفی است که مکر شده را به آنچه که گمان نمی کرده می کشد. (قاموس قرآن-سید علی اکبر قریشی)

کید: حيله – تدبیر- راغب می گوید کید نوعی حيله است گاهی مذموم و گاهی ممدوح و بهتر است در صورت ممدوح تدبیر باشد.

هوی در لغت: در قرآن بیشتر برای هوای نفس و مذموم است – خواهشهای نفسانی را از آن جهت هوی و هوس گویند که انسان را به عذاب آخرت و مهلکه دنیا ساقط می کند.

**طمع شیطان: وقتی شیطان هم به رحمت الهی طمع کرد!**

به نقل ابن عباس، هنگامی که آیه «وَرَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ» نازل شد، شیطان نیز در رحمت الهی طمع

کرد و گفت: عبارت «كُلَّ شَيْءٍ»، شامل من هم می شود! خداوند برای رفع این توهّم فرمود: «فَسَاكُنْهَا لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ...» آری، سفره رحمت الهی گسترده است و به همه کس می رسد، اما شمول رحمت برای غیر مؤمنان، به تفضّل الهی و به برکات مؤمنان و به طفیل آنان است. (تفسیر اثنی عشری)

پس تا زمانی که از طاعت الهی دور مانده اید و جذب ضلالت و گمراهی شده اید امید به رحمت الهی نداشته باشید. طمع شیطان علاوه بر خدا (دریافت رحمت الهی) بر انسانها نیز جاری است؛ طمع شیطان بر انسان زودگذر هم نمی باشد. آنقدر در وجود انسان نفوذ و رخنه می کند تا او را دچار غفلت و معصیت نماید و در حین ارتکاب به معصیت او را سرزنش می نماید و علاوه بر آن رسوا می سازد.

و عید در لغت: وعید خبری است که در شر و تهدید استعمال می گردد.

مهمترین تفاوتی که بین این دو کلمه " وعده و وعید " وجود دارد تفاوت از ناحیه استعمال است و آن این است که: " وعده " هم در وعده خیر و هم در وعده شر بکار می رود ولی " وعید " و " ايعاد " فقط در وعده شر استعمال می شود .

دام های شیطان: همنشینی با دوست ناباب - دنیا دوستی - تقلید کورکورانه - آرزوهای طولانی - گناه در انواع چه صغیره و چه کبیره - هوی پرستی - فریب از راه عبادت (خطرناکترین راههاست) - یأس و ناامیدی - جلوگیری از نیکی به مؤمنین - غفلت و خواب و دور ماندن از عبادت (قضا شدن نماز) - شهوت گرایی - پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: الشهوات مصائد الشیطان؛ شهوتهای گوناگون شکارگاههای شیطان است. شهوت مال و جاه و قدرت و غریزه جنسی - و تفرقه دام دیگری از شیطان است.

شرح فراز دوّم:

اللّٰهُمَّ احْسَاہُ عَنَّا بِعِبَادَتِكَ، وَ اَكْبِتْهُ بِدُءِ وِبِنَا فِي مَحَبَّتِكَ، وَ اجْعَلْ بَيْنَنَا وَ بَيْنَهُ سِتْرًا لَا يَهْتِكُهُ، وَ رَدْمًا مُصْمِتًا لَا يَفْتُقُهُ. خدایا، به نیروی عبادت خود، شیطان را از گرد ما بران، و به پایداری ما در راه دوستی ات خوارش گردان، و میان ما و او پرده ای قرار ده که دریدن آن نتواند، و سدّی چنان استوار که راه شکافتنش را نداند. اعوذ بالله من همزات الشیاطین و اعوذ بک ربّ ان یحضرون؛

استعاده، مرتبه اول پناه بخدا-با الفاظ-أعوذ بالله---مرتبه دوم، قلبی، که زبان تنها بی فایده است باید زبان و قلب برای استعاده حرکت کند. تا با تمام وجود به خدا پناه برد.

### خواطر نفسانی:

خاطر آن چیزی است که در قلب جولان دهد. پس اگر آن نکوهیده و مذموم بود و انسان را به سمتی زشت و بد فرا خواند "وسوسه" نامیده می شود ولی اگر نیک بود و به خیر دعوت کرد، "الهام" است.

اگر شخصی حقیقتاً از ذات باری تعالی استمداد کند و به انوار مقدسه پیامبر(ص) و اهل بیت(ع) متوسل شود می تواند در برابر شیطان و وسوسه های او مقاومت نماید.

آن شیطان رجیم و رانده شده که در برابر اوامر الهی ایستادگی کرد و راه گمراهی را در پیش گرفت و با الفاظی حاکی از غرور و تکبر به اطاعت از خداوند سرتسلیم فرود نیاورد و سوگند یاد کرد که از جهات ششگانه مردم را از هرطرف گمراه خواهد کرد و وسوسه را در رگهای آنها به جریان خواهد انداخت. شیطانی که در روز قیامت از آنچه که بر سر بشر آورده عذرخواهی نمی کند بلکه می گوید: خود را ملامت کنید مرا ملامت نکنید، من فقط به شما اشاره کردم؛ می خواستید بیراهه نروید.

### شرح فراز سوم:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاشْغَلْهُ عَنَّا بِبَعْضِ أَعْدَائِكَ، وَاعْصِمْنَا مِنْهُ بِحُسْنِ رِعَايَتِكَ، وَاكْفِنَا خَيْرَهُ، وَوَكَّلْنَا ظَهْرَهُ، وَاقْطَعْ عَنَّا إِثْرَهُ.

خدایا، بر محمد و خاندانش درود فرست و شیطان را به دشمنانت سرگرم ساز، و به هواداری خود ما را از گزند او حفظ فرما، و نیرنگ او را دفع نما، و چنان کن که به ما پشت کند و بگریزد و نشان پای او بر جای نماند.

### شیوه های حفظ انسان از وسوسه های شیطان:

- شناخت خداوند و پی برون به عظمت او.
- شناخت حق علیه باطل.
- بصیرت و بینش در امور زندگی
- تقوی و پرهیزگاری
- عبادت و بندگی



- روزه و نماز
- شناخت نفس

• منور شدن به علم حقیقی که شک و تردید در آن نباشد.

نبی گرامی اسلام (ص) فرمود: **إِنَّ لِي مَعَ اللَّهِ حَالَاتٍ لَا يَحْتَمِلُهَا مَلَكٌ مَّقْرَبٌ وَلَا نَبِيٌّ مَرْسَلٌ** (بحار الانوار

ج ۲۴۳/۸۲)

مرا با خداوند حالاتی است که نه فرشته مقرب و نه پیامبری مرسل تحمل آن را ندارد. و این حال در اهل معرفت و ذاکر حقیقی که وجودش مملو از عشق الهی است بروز دارد. این حال حسن الهی را در بر دارد که مکر شیطان را دفع و پای شیطان را از حدود اختیارات انسانی قطع می نماید، و شخص را درپوششی از بیم و اندوه از عمل قرار می دهد تا به حُسن رعایت الهی برسد.

**شرح فراز چهارم:**

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَآمِنْعُنَا مِنَ الْهُدَى بِمِثْلِ ضَلَالَتِهِ، وَزَوِّدْنَا مِنَ اتَّقْوَى ضِدِّ غَوَايَتِهِ، وَاسْئَلْكَ بِنَا مِنَ اتَّقَى خِلَافَ سَبِيلِهِ مِنَ الرَّدَى.

خدایا، بر محمد و خاندانش درود فرست و به اندازه‌ی گمراهی شیطان، ما را هدایت ارزانی کن، و در برابر تلاش او برای بیراه کردن ما، ره توشه‌ی پرهیزگاری نصیبمان فرما، و بر خلاف جاده‌ی تباهی او، ما را به راه تقوا درآور.

گروهی راه هدایت را در پیش می گیرند و به سعادت دنیا و آخرت می رسند.

گروهی راه ضلالت را در پیش می گیرند و جز سرگردانی و بی هویتی چیز دیگری نصیبشان نمی شود و در دنیا شقاوت و در آخرت دچار عذاب الهی اند.

در این فراز امام سجاد(ع) می فرماید: خدایا راه طولانی و مسیر پر پیچ و خم و شیطان نیز دست از سر انسان بر نمی دارد. آن فرصتی که شیطان در راه انحراف انسانها بر می دارد آن فرصت را برای ادامه مسیر راهیان نور قرار بده تا تقوی الهی همه گیر شده و راه گناه و گمراهی مسدود گردد.

**شرح فراز پنجم:**

اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْ لَهُ فِي قُلُوبِنَا مَدْخَلًا وَلَا تُوَطِّنْ لَهُ فِيمَا لَدَيْنَا مَنْزِلًا.

خدایا، در دل‌های ما راه ورودی برای شیطان مگذار، و جایی از وجود ما را جایگاه او قرار مده.

خدایا از شیاطین انس و جن به تو پناه می‌برم تا وجودم مملو از عشق تو باشد.

چرا گمراهی و ضلالت انسانها را اسیر می‌کند؟

خالی بودن نفس از علم، جهل بسیط است. ابتدا جهل نیست ولی زمانیکه به معارف اعتقادی عشق و علاقه نشان داده نشود و نسبت به تحصیل آن کوشش به خرج ندهند و از باب افراط و تفریط قدم در مهلکه‌های بزرگ و نابود کننده حیثیت انسانی بگذارند این جزء جهل بسیط نیست و این مرحله نمی‌داند که نمی‌داند جهل مرکب است.

آیت الله جوادی آملی:

مواظب باش خودت را ارزان نفروشی، اگر هم چیزی بدست آوردی، بین چه چیزی از دست داده‌ای که آن گیرت آمده.

حُفَّتِ الْجَنَّةُ بِالْمَكَارِهِ وَ حُفَّتِ النَّارُ بِالشَّهَوَاتِ؛ کسب بهشت همراه با ناملازمات است و جنهم همراه با شهوات (نهج البلاغه خطبه ۱۷۶)

شرح فراز ششم:

اللَّهُمَّ وَ مَا سَوَّلَ لَنَا مِنْ بَاطِلٍ فَعَرَّفْنَا، وَ إِذَا عَرَّفْتَنَا فَعِنَّا، وَ بَصَّرْنَا مَا نُكَايِدُهُ بِهِ، وَ أَلْهِمْنَا مَا نُعِدُّهُ لَهُ، وَ أَيْقِظْنَا عَنْ سِنَةِ الْعَقْلِ بِالرُّكُونِ إِلَيْهِ، وَ أَحْسِنْ بِتَوْفِيقِكَ عَوْنَنَا عَلَيْهِ.

خدایا، هر باطلی را که شیطان در چشم ما می‌آراید، به ما بشناسان، و چون شناساندی، ما را از آن بازدار و پیاموزمان که چگونه با او نیرنگ بازییم و با چه وسیله با وی به نبرد پردازیم. از خواب غفلت بیدارمان کن تا به او نگراییم، و به توفیق خود ما را در پیکار با او یاری فرما.

شیطان و ترویج باطل گرایی او:

آنگاه که در زندگی اعتدال معنا نداشته باشد؛ انسان روی به افراط و تفریط آورده و بتدریج فضایل انسانی را از دست می‌دهد، و اینکه همیشه انگیزه‌های باطل و شرّ بیش از انگیزه‌های حُسن و پسندیده جلوه گراست و بر این اساس انسان در تار عنکبوت باطل اسیر گشته و حق را به فراموشی خواهد سپرد. دیگر اینکه تمایل انسان

به سمت شرّ و بدی زودتر و آسانتر است از تمایل به خیر و نیکی - از این رو گمراهی و ضلالت نقشش پر رنگ تر شده و باطل گرایی روز بروز افزایش می یابد و حق گرایی نادیده گرفته می شود.

## ۲- استقامت در برابر وسوسه های شیطان:

بهترین راه استقامت در برابر وسوسه های شیطان ، عبادت و بندگی خداوند یکتا و کسب تقوی و پرهیزگاری است که ارتباط با خداوند نسیم هدایت را بر قلبها می وزد و انسان را از غیر او جدا می سازد و صحت و سلامتی روح و جسم را به ارمغان می آورد.

## ۳- بینایی در برابر کید شیطان؛

کید شیطان عظیم است و اگر انسان چشم خود را بر حقایق هستی ببندد، باطل گرایی در دنیا، شیوه او گردد پس در دنیا کور و در آخرت کور نیز محسور خواهد شد.

## ۴- ابزار مبارزه با وسوسه های شیطانی:

کسب علم و معرفت - تفقه در دین (اگر هر کس در دین خداوند تفقه نوزد ، خداوند در روز قیامت به او نظر نمی افکند)- قیام بر حلّ شبهات- تقویت یقین که هر عقیده ای که با واقع مطابق نباشد یقین نیست- توکل که حدّ یقین است که با وجود خداوند از چیزی نترسی- عقل و علم و قلب در کنترل انسانی برای هدف غایی باشد.

## ۵- بیدار شدن از خواب غفلت - غفلتی که ناشی از اعتماد به شیطان است.

چرا بشر به شیطان اعتماد می کند؟ هر نفسی در آغاز فطرت و خلقت از فرشته و شیطان به طور مساوی تأثیر می پذیرد . از این رو گروهی به سبب پیروی از هوی و هوس ، شیطان را در وجود خود تقویت کرده و او بوسیله "وسوسه" وارد قلب می شود و گروهی دیگر به ذکر و یاد خداوند می پردازد و میدان را برای شیطان تنگ و تنگ تر می کند و در نتیجه او از جان انسانی کوچ می کند و به دنبال آن رشته الهام بخش وارد قلب می شود که همان اعتقاد و ایمان فرد است. انسان می داند حجاب ضرورت دین است ولی مسائل گوناگون از قبیل غفلت ، جهل ، بی ایمانی ، چشم هم چشمی و تجدد گرایی و تظاهر به خودنمایی ، اعتماد به شیطان را در قلب تقویت کرده و رفته رفته غبار تاریکی و ضلالت را بر چهره نشانده و از وادی اعتقادی فاصله گرفته و اگر فرد مقاومت و ایستادگی در برابر معضلات را از دست دهد خود را به ورطه نابودی و هلاکت خواهد کشاند. (خسرالدنیا والآخرة )

دعوت شیطانی و تزیین اعمال و وسوسه توسط شیطان ممکن است در انسان میل و شوق به گناهان ایجاد کند و انسان هم پس از آن به راحتی تن به معصیت و نافرمانی خدا دهد، ولی این به معنای مسلوب الاختیار کردن انسان نیست، بلکه او مخیر است که دل و فکر خود را جایگاه و سنگر شیطان قرار دهد یا جایگاه ذکر الهی. بسیاری از کسانی که حاضر نیستند، حتی یک لحظه، قلب خود را جایگاه وساوس شیطانی قرار دهند؛ دل های آن ها لبریز از ایمان به خداست و همیشه بر او توکل دارند و از این رو، شیطان هم بر آن ها هیچ سلطه ای ندارد: «أَنَّهُ لَيْسَ سُلْطَانَهُ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَعَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ» (نحل: ۹۹) او بر بندگان خدا (کسانی که واقعا بنده او هستند) هیچ سیطره ای ندارد، مگر بر پیروان گمراه خود: «إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ إِلَّا مَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْغَاوِينَ» (حجر: ۴۲)

مسلم شیطان توان جذب همه افراد را ندارد که بخواهد از روی جبر آن ها را گمراه نماید، بلکه این افراد بی ایمان و دنیاطلب و غافل از آخرت هستند که خود را در اختیار شیطان قرار می دهند و او را به عنوان ولیّ اتخاذ کرده، اوامرش را امتثال می نمایند. خدای متعال از سویی می فرماید: «أَنَا جَعَلْنَا الشَّيَاطِينَ أَوْلِيَاءَ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ» (اعراف: ۲۷) و در جای دیگر می فرماید: تَسَلَّطَ الشَّيْطَانُ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ أَتَى اللَّهَ بِحِجَابٍ مُّخْتَلِفٍ أُولَئِكَ الَّذِينَ هُمْ أَوْلَىٰ بِالذَّنْبِ أُولَئِكَ لَمْ يَكُنْ لَهُمْ لِقَاءُ اللَّهِ إِلَّا فِي الْحَبَابِ وَأُولَئِكَ هُمُ الرَّاغِبُونَ إِلَىٰ الْحَبَابِ وَسَاءَ مَا يَحْكُمُونَ» (نحل: ۱۰۰) و در جایی سلطه او را بر گم راهان می داند: «إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ إِلَّا مَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْغَاوِينَ» (حجر: ۴۷) و در جای دیگر، منافقان را تحت سلطه شیطان می داند: «وَاسْتَحْوَذَ عَلَيْهِمُ الشَّيْطَانُ فَأَنسَاهُمْ ذِكْرَ اللَّهِ» (مجادله: ۱۹) (پایگاه حوزه)

## ۶- بهترین راه مقاومت در برابر شیطان ، توفیق الهی است؛

توفیق الهی بهترین شیوه زندگی برای بشر است. توفیق الهی نتیجه عملکرد انسانها بر مبنای اختیار آنهاست که راه و هدف خود را صادقانه طی می کنند و به غیر از خدا به چیز دیگری نمی اندیشند. در میدان جهاد با نفس جزء جنود فرشتگان اند و از جنود شیاطین دور اند. قرارگاه قلب و زبان و عمل خود را به ذکر و یاد خداوند تخصیص می دهند و آنچه انجام می دهند برای رضای خداست.

شرح فراز هفتم:

اللَّهُمَّ وَ أَشْرِبْ قُلُوبَنَا إِنْكَارَ عَمَلِهِ، وَ الطُّفُّ لَنَا فِي نَقْضِ حِيلِهِ.

خدایا، دل های ما را از انکار کردار ابلیس آکنده ساز، و لطفی کن تا رشته های نیرنگ او را پاره کنیم.

سرّ این حقیقت در تصفیه و پاکسازی و آنگاه به مواظبت نمودن بر ذکر خدا است. قوه عاقله استیلا و برتری نسبت به قوای شهویّه و غضبیّه و وهمیه دارد. نفس حاضر نمی شود از این قوای تأثیر پذیرد بلکه تأثیرش در آنها طبق مصلحت خواهد بود و نفس با مهار کردن "واهمه" و "متخیله" توانایی کسب خواهد نمود به گونه ای که هر گاه بخواهد و اراده کند می تواند آنها را از وسوسه ها باز دارد. بدین ترتیب قوای شهویّه و غضبیّه و وهمیه، قادر نمی شود بدون رأی و تجویز عقل وارد وادیهای خواطر و وسوسه ها گردند. زمانی که نفس را چنین ملکه ای حاصل شد پس قوه عقلیه آن قوای دیگر را مهار کرده به گونه ای که دیگر مطلقاً وسوسه های زشت و نا پاک در آنها پدید نیاید؛ در این حال جز خیر چیز دیگری به آن راه نمی یابد و نفس به مقام "اطمینان" می رسد و درهای شیطان به رویش بسته می شود و درهای ملائکه به رویش گشوده می گردد و قلب جایگاه آن می گردد و نفس به تابش انوار قدسی روشن و منور می گردد. "یا ایتهای النفس المطمئنه ارجعی الی ربک راضیه مرضیه...." (فجر ۲۷/۲۸)

#### شرح فراز هشتم:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَحَوْلِ سُلْطَانِهِ عَنَّا، وَاقْطَعْ رَجَاءَهُ مِنَّا، وَادْرَأْهُ عَنِ الْوَلُوعِ بِنَا. خدایا، بر محمد و خاندانش درود فرست و شیطان را بر ما چیره مگردان، و امید او را از ما ببر، و آزمندی او را در گمراه کردن ما بی نتیجه گذار.

در این فراز با درود بر محمد و آل محمد از خداوند تعالی می خواهیم شیطان را بر ما مسلط مگرداند؛ پس می گوئیم "بسم الله الرحمن الرحيم - أعوذ بالله من الشيطان الرجيم - أَعُوذُ بِكَ مِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ أَعُوذُ بِكَ رَبِّ أَنْ يَحْضُرُونِ -"

هر گاه در دلت وسوسه ایجاد شد زیاد بگو "لا اله الا الله" -

«یکی از راه های نفوذ شیطان، اشاره ها و وسوسه های او نسبت به برخوردارهای بد ما با دیگران است. «هَمَزَاتِ

«شَیْطَانِ، متعدّد و وسوسه های آنان نیز گوناگون است. «هَمَزَاتِ الشَّیْطَانِ

«شیطان ها در انبیا نیز طمع دارند. «هَمَزَاتِ الشَّیْطَانِ

«بالاتر از وسوسه، حضور شیطان هاست. «أَنْ يَحْضُرُونِ (قرائتی، محسن، تفسیر نور، تفسیر نور، ج ۶، ص ۱۲۷)

در مجمع البیان گفته کلمه "همزه" به معنای شدت دفع است، و حرف همزه (یکی از حروف الفبا) را هم از این جهت همزه نامیده اند که چون از ته حلق ادا می شود، باید بیشتر به حلق اعتماد داشته باشد، و با فشار بیشتری به خارج دفع گردد، و همزه شیطان به معنای دفع او به سوی گناهان از راه گمراه کردن است. (مجمع البیان، ج ۷، ص ۱۱۶ -)

در تفسیر قمی از امام عسکری (ع) نقل کرده که فرمود همزه شیطان آن وسوسه هایی است که در دلت می اندازد. (ج ۲، ص ۹۳)

دیگر اینکه:

امید شیاطین انس و جن به آدمهای گمراه بیشتر است، "إِنَّ هَمَّ كَالْإِنْعَامِ هَمُّ اضِلُّ سَبِيلًا - فرقان (۴۴) و دیگر:

حرص شیاطین و غلبه آنها بر انسانهایی که از مکتب وحی چیزی نیاموخته و همواره شقاوت نفس غالب بر آنهاست.. "سواء علیهم ءأندرتُّهم ام لم تنذرهم لا یومنون" (یس ۷) چه اندازشان کنید یا اندازشان نکنید آنها ایمان نمی آورند.

خدایا هلاک شدم از نفوذ شیطان بر خود، خدایا از آنچه انجام دادم و تو راضی نبودی پشیمانم. خدایا قلبم را شیطان نفس سیاه کرده و مرا در وادی خواری و ذلت فرو برده تا بجائی که نفاق را در خودم پرورش دادم؛ خدایا آزمندی او را در گمراه کردن ما بی نتیجه گذار.

"إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى - جَعَلَ لِأَدَمَ فِي ذُرِّيَّتِهِ مِنْ هَمِّ بَحْسَنَةٍ وَ لَمْ يَعْمَلْهَا كُتِبَتْ لَهُ حَسَنَةٌ وَ مِنْ هَمِّ بَحْسَنَةٍ وَ عَمَلْهَا كُتِبَتْ لَهُ عَشْرًا، وَ مِنْ هَمِّ بَسِئَةٍ وَ لَمْ يَعْمَلْهَا لَمْ تُكْتَبْ عَلَيْهِ سِئَةٌ وَ مِنْ هَمِّ بَهَا وَ عَمَلْهَا كُتِبَتْ عَلَيْهِ سِئَةٌ"

به درستی که خداوند - تعالی آدم را در خصوص فرزندانش اینگونه مقرر داشته که هر کس از آنها که قصد کاری نیک کند، ولی آن کار را انجام ندهد، برایش یک حسنه نوشته می شود، ولی هر کس که قصد کاری نیک کند و آن را انجام دهد، برایش ده حسنه نوشته شود، و هر کس که قصد کار بد را بنماید ولی آن را انجام ندهد، گناهی برایش نوشته نشود، و هر کس که قصد آن را بنماید و انجامش هم بدهد تنها یک گناه نوشته می شود. و امام صادق (ع) فرمود: ما من مؤمن الا و له ذنبٌ یهجُرُه زمانا ثمَّ یلَمُّ به و ذلک قولُه تعالی : الا لَمَمَ.

مؤمنی نیست مگر که برایش گناهی است که مدت زمانی از خود دورش ساخته است، سپس قصد و تمایل به طرف آن نشان دهد، و این گفتار خداوند متعال است "الائم" - حضرت فرمود: "لمم" آن است که شخصی قصد گناه کرده، آنگاه از آن استغفار نماید.

شرح فراز نهم:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاجْعَلْ آبَاءَنَا وَآمَهَاتِنَا وَأَوْلَادَنَا وَأَهْلِيْنَا وَذَوِي أَرْحَامِنَا وَقَرَابَاتِنَا وَجِيرَانَنَا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ مِنْهُ فِي حِرْزِ حَارِزٍ، وَحِصْنِ حَافِظٍ، وَكَهْفِ مَانِعٍ، وَأَلْبِسْهُمْ مِنْهُ جُنًّا وَقِيَّةً، وَأَعْطِهِمْ عَلَيْهِ أَسْلِحَةَ مَا ضِيَّةً.

خدایا، بر محمد و خاندانش درود فرست و پدران و مادران و فرزندان و خاندان و خویشان و نزدیکان و همسایگان ما، مردان و زنان مؤمنشان، همه را به جایگاهی استوار و دژی محکم و پناهگاهی امن درآور، و در برابر شیطان سپرهای نگه‌دارنده بر آنان بپوشان، و برای پیکار با او، به آنان شمشیرهای برنده عطا کن. در این فراز برای تمام وابستگان و خویشاوندان دور و نزدیک در التجاء به خداوند می‌خواهیم تا برای دفع شرّ شیاطین آنها را به حرز محکم و قلعه‌ای محافظ و محکم و زره‌های نگاهدارنده و اسلحه‌ای محکم و برنده مجهز گرداند.

حرز محکم: دعاست که این دعا باید همچون لباسی، محافظ برای انسان باشد و انسان هیچگاه از دعا کردن در حق دیگران و خود غافل نشود.

حصن حافظ: دژ محکم و محافظ انسان، همان ایمان بنده است که اهل شرک نیست و لا اله الا الله و اعتقاد قلبی او به این ذکر که او را در دایره ملائکه و فرشتگان نیکو قرار داده است.

کهف مانع: انچنان ایمان محکمی در وجودش غالب شده که قدرت نفوذ شیاطین بر او بسته است مانند غار اصحاب کهف که راه نفوذ آدمهای غیر توحیدی و اهل ضلالت را بر خود بسته بود.

الْبَسَة: زره‌های محکم - مقصود از زره‌های محکم و پوشش آن بر بدن لباس تقوی است که راه نفوذ را بر حرام‌های شیطانی می‌بندد.

أسلحه ماضیه- سلاح برنده- امامت است و غلبه امامت بر افکار و رفتار که موجب یأس و ناامیدی دشمنان اسلام می شود. پس در این فراز توحید و نبوت و امامت لباس محکم و دژ محکم و اسلحه برنده در دایره اسلام است که گریزی از آن نیست برای سعادت دنیا و آخرت.

شرح فراز دهم:

اللَّهُمَّ وَاعْمَمْ بِذَلِكَ مَنْ شَهِدَ لَكَ بِالرُّبُوبِيَّةِ، وَ أَخْلَصَ لَكَ بِالْوَحْدَانِيَّةِ، وَ عَادَاهُ لَكَ بِحَقِيقَةِ الْعُبُودِيَّةِ، وَ اسْتَظْهَرَ بِكَ عَلَيْهِ فِي مَعْرِفَةِ الْعُلُومِ الرَّبَّانِيَّةِ.

خدایا، این دعا را شامل حال همه ی کسانی کن که به ربوبیت تو گواهی می دهند، و از سرِ اخلاص تو را یگانه می دانند، و آن گونه که شایسته ی بندگی توست با شیطان می ستیزند، و با دریافت علوم ربّانی، در مبارزه با او از تو یاری می خواهند.

یاد آوری ذکر " لا اله الا الله " توحید ربوبی - توحید مالکیت - توحید خالقیت - توحید عبودیت -

در اینجا انسان به یگانگی پروردگار شهادت می دهد و بر اساس آن معرفت کسب می کند و هرچه غیر از این شناسائی است بدور می افکند و با آن دشمنی می کند. " فاعتبروا یا اولی الابصار " ای صاحبان خرد عبرت گیرید و از راه حق خود را جدا نسازید (الحشر ۲)

" و فی الارض آیاتٌ للموقنین، و فی انفسکم افلا تُبصرون " (الذاریات ۲۰-۱۲) در زمین برای یقین داران نشانه هایی است و نیز در خود شما آیا با بصیرت نمی بینید؟

علوم ربّانی چیست؟

حاملان گنجینه علوم ربّانی، پیغمبر و امامان هستند که حامل علوم ربّانی هستند. علم ازلی همان میراث انبیاء است. انسان مظهر ربوبیت الهی است ربوبیت الهی مقتضی این معناست که خداوند همه هستی را نه تنها آفریده است بلکه بر آن است تا بر اساس فلسفه آفرینش که حکیمانه است هر موجودی را به کمال برساند که شایسته و بایسته اوست.

خداوند انسان را مظهر همه اسماء و صفات خود قرار داده (بقره ۳۱) و به سبب همین مقام خلافت الهی را در اختیار گرفته است (بقره ۳۱/۳۰)



انسان می بایست جایگاه خود را بشناسد و در مقام مظاهر الهی بتواند در مقام خلیفه الهی به کمال بایسته و شایسته برسد. پس هیچ مرد و زن با ایمانی نیست جز اینکه خدا به گردن او حقی واجب دارد و آن کسب دانش و فقه است تا راه کمال را بییماید.

### شرح فراز یازدهم:

اللَّهُمَّ اخْلُلْ مَا عَقَدَ، وَ افْتَقْ مَا رَتَقَ، وَ افسخْ مَا دَبَّرَ، وَ تَبَطِّهْ إِذَا عَزَمَ، وَ انْقِضْ مَا أُبْرِمَ.

خدایا، هر گره‌ی را که او می‌بندد، تو بگشا، و هر چه را او به هم می‌پیوندد، از هم بگسل، و هر تدبیری که می‌اندیشد، گسسته گردان، و از هر کار آن آهنگ آن می‌کند، بازش دار، و هر چه را استوار می‌سازد، در هم شکن.

در این فراز با یاری خداوند گره‌های شیطان را باز می‌کنیم و آنچه را که راهش را بر ما بسته است، باز می‌کنیم؛ و آنچه را که شیطان در باره ما می‌اندیشد، فسخ می‌کنیم. انگاه که شیطان در جریان خون ما حرکت می‌کند و عزیمت کند، جلوی او را می‌گیریم، و آنچه را که در دل ما محکم کرده و مردانگی و مروّت را از ما گرفته از بین می‌بریم و آنرا در هم می‌شکنیم تا استقامت و پایداری در دین خدا بر ما استوار گردد.

"بسم الله مجریها و مرسها" حرکت به نام خدا، و توقف عملیات شیطان با یاد خدا (هود ۴۱)

مؤمن در دینش استوار است، از کوه می‌توان چیزی را کند ولی از دین مؤمن چیزی را نمی‌توانم کم کرد چون قابل‌کندن و گرفتن نیست.

و قال علیه السلام فی صفة المؤمن: المؤمن بشره فی وجهه، و حزنه فی قلبه، أوسع شیء صدرأ و أدل شیء نفساً یکره الرفعة و یسأ السمعة طویل غمٌ بعید همٌ کثیر صمته، مشغول وقتُه، شکورٌ صبورٌ مغمورٌ بفکرته ضنینٌ بخلته، سهل الخلیفه لئن العریکه نفسهس أصلب من الصلد و هو أدل من العبد.

امام علی(ع) در توصیف مؤمن فرمود: سرور و شادمانی مؤمن در چهره او است و اندوهش در قلبش. مؤمن سینه فراخ‌ترین انسانها و خوارترین آنان از حیث نفس است. از برتری جویی کراهت دارد و شنیدن امتیاز خود را از دیگران دشمن می‌دارد، غمش دراز و همتش بالاست. خاموشی او زیاد است. وقتش مشغول. شکر گذار است و شکیبیا و فرو رفته در تفکر. در اظهار احتیاج خویشتن دار و دارای اخلاق آرام و ذاتی نرم است. نفس او از سنگ خارا سخت‌تر است و در عین حال از یک بنده پست‌تر است (نهج البلاغه/ حکمت ۳۳۳)

شرح فراز دوازدهم:

اللَّهُمَّ وَاهْزِمِ جُنْدَهُ، وَابْطِلْ كَيْدَهُ وَاهْدِمِ كَهْفَهُ، وَارْغِمِ أَنْفَهُ

خدایا، سپاه او را بشکن، نیرنگش را تباه کن، پناهگاهش را ویران ساز، و بینی‌اش را به خاک مال خدایا سپاه شیطان را شکست بده و نابود کن. عقل و تدبّر و بصیرت در انسان بر پا کننده عدالت است، و این یک مبارزه حق علیه باطل است. خدایا مکر شیاطین انس و جن را در هم شکن و بر آنها سخت گیری " واغلاظ علیهم " نما تا آنها قادر نباشند، انسان را بسوی کفر و نفاق بکشانند. امروزه مکر شیاطین همواره جاری است؛ تحریمهای گوناگون، ایجاد رعب و وحشت در مردم و ترساندن آنان از جنگ، ایجاد جنگ روانی، ایجاد جنگ نرم، رواج فساد و بی دینی، سوءظن به یکدیگر، دشنام و خیانت و سلب اعتماد از یکدیگر، از بین بردن اتحاد و همبستگی، رواج حدیثهای جعلی و گفتارهای ناپسند، خلاصه تقویت تلگرام برای رواج این اهداف؛ که فرد مومن با احتیاط در این جریانات وارد می شود و مراقب تربیت خانواده نیز می باشد و از نفوذ این نگرشهای باطل در زندگی خود مراقبت می کند تا نسلی ایده آل برای جامعه فردا کشور به یادگار گذارد.

شرح فراز سیزدهم:

اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا فِي نَظْمِ أَعْدَائِهِ، وَاعْزِلْنَا عَنْ عِدَادِ أَوْلِيَائِهِ، لَا نُطِيعُ لَهُ إِذَا اسْتَهْوَانَا، وَ لَا نَسْتَجِيبُ لَهُ إِذَا دَعَانَا، نَأْمُرُ بِمُنَاوَاتِهِ، مَنْ أَطَاعَ أَمْرَنَا، وَ نَعِظُ عَنْ مُتَابَعَتِهِ مَنْ اتَّبَعَ زَجْرَنَا.

خدایا، ما را در زمره‌ی دشمنان شیطان درآور، و از شمار دوستانش بیرون بر. تا هر گاه ما را به سوی خود خواند، فرمانش نبریم، و هرگاه دعوت مان کند، پاسخش ندهیم، و کسی را که فرمانبر ماست، به دشمنی با او برانگیزیم، و آن کس را که پیروی ما کند، از پیروی او بترسانیم

کلاس تربیتی توحیدی:

خدایا چند چیز را از تو خواهانم، و از تو یاری می جویم:

۱- دشمنی با شیطان، و جدا شدن از دوستی با او.

۲- فراخوانی او را بی جواب بگذاریم.

۳- در کلاس تربیتی توحیدی، شاگرد معرفت توباشیم و از امواج ضلالت او تأثیر نپذیریم.

۴- در این کلاس توحیدی ما را از پیروی شیطان دور ساز تا دچار ذلت نشویم.

۵- پوسته طبیعت مادی را از ما جدا کن، و ما را مزین به پوسته معرفت و کمال کن.

۶- پیروزی عقل بر جهل، کوشش و جهاد بر غفلت، عزت و بزرگی بر ذلت و خواری، استقامت و مقاومت بر سستی و کاهلی - غلبه فکر و تعقل و اندیشه و بصیرت بر جهل مرکب - را نصیب من نما.

کلاس درس توحیدی به ما می آموزد که با سعی و کوشش صحیح، امور را اصلاح کنیم و از هر نا صلاحی دور مانیم و از رحمت خدا نا امید نگردیم. "ومن یقنط من رحمه ربّه الا الضالون - الحجر ۵۶"

مَنْ يَقْنَطُ: چه کسی ناامید می گردد؟! استفهام انکاری است، یعنی کسی ناامید نمی گردد".

شرح فراز چهاردهم:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَ سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ وَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ، وَ أَعِدْنَا وَ أَهْلِيْنَا وَ إِخْوَانَنَا وَ جَمِيعَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ مِمَّا اسْتَعَدْنَا مِنْهُ، وَ أَجِرْنَا مِمَّا اسْتَجَرْنَا بِكَ مِنْ خَوْفِهِ وَ اسْمَعْ لَنَا مَا دَعَوْنَا بِهِ، وَ أَعْطِنَا مَا أَعْطَيْنَاهُ، وَ احْفَظْ لَنَا مَا نَسِينَاهُ، وَ صَيِّرْنَا بِذَلِكَ فِي دَرَجَاتِ الصَّالِحِينَ وَ مَرَاتِبِ الْمُؤْمِنِينَ، آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ

خدایا، بر محمد، واپسین پیغمبران و سرور فرستادگان، و خاندان پاک و پاکیزه اش درود فرست، و ما و خاندان و برادران ما را و همه ی مردان و زنان مؤمن را از گزند آنچه می ترسیم، در پناه آور، و ما را از بیم آنچه امان آن خواسته ایم، در امان دار

خواسته ی ما را برآور، و آنچه را از گفتن آن غفلت ورزیده ایم، به ما ارزانی کن، و آن چه را از یاد برده ایم، برایمان محفوظ بدار، و بدین سان، ما را به پایه ی نیکان و مرتبه ی مؤمنان برسان. چنین باد ای پروردگار هستی ها.

چرا انسان به دام شیطان می افتد؟

فقد ضلّ ضلالاً بعيداً - راه شیطان بد راهی است - راه گمراه کننده و ضلالت باری است. هرگز نباید روی خوش به شیطان نشان داد. وقتی به خرید می روید جنس سالم انتخاب می کنید نه معیوب - پس شکست در زندگی ایمانی را به جان و دل نخرید.

مَنْ يَتَّخِذِ الشَّيْطَانَ وَلِيًّا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَقَدْ خَسِرَ خُسْرَانًا مُبِينًا (نساء ۱۱۹)

راه درمان و فرار از این در ماندگی و ضلالت:

- ۱- اندیشه و عمل را از اشتغال داشتن به مباحات و مکروهات دور نگهدارید تا دچار آسیبهای شیطان نشوید.
- ۲- در مسیر رضای خداوند و حبّ او حرکت نمایید تا دچار بی راههای شیطان نشوید. (آفت انسان سرگردانی و بی هویتی است)
- ۳- جهت حرکت، رضای خدا و کسب کمال باشد.
- ۴- رها کردن غفلتها-
- ۵- صلابت و عزّت و مهابت نفسانی شیوه انسانی باشد: المؤمن أصلبُ من الجبل - مؤمن محکمتر از کوه است.
- ۶- ثبات قدم در اعتقاد و ایمان - استواری در قول و فعل - کسب فضیلت
- ۷- مزین شدن به صفت حلم، علم، در جنگ و برخورد با آسیبهای اجتماعی.
- ۸- مزین شدن به صفت، ورع - شجاعت و سخاوت و دوری از عُجب و تکبر و ریا.
- ۹- اهل علم مراقب باشد و خود را گرفتار شیاطین نکند. با غلبه و چیره شدن علوم، شخص باید نفس خود را کوچک شمارد، تا جایگاهش نزد خداوند والاتر شود. در کسب علوم و معرفت نلغزد که اگر بلغزد علم او نه برای خودش نافع است و نه برای دیگری. خداوند تعالی عالمان یهود را به الاغ مثل زده (جمعه ۵) و بلعم باعورا را تشبیه به سگ کرده (اعراف ۱۷۶) از آن روی که به علم خود عمل نمی کردند. پس شایسته است برای اهل علم که بر حال و روز و کرده های خویش تأمل نموده، اندیشه کند که از او چه خواسته شده و چه خطر بزرگی است در راه او، تا در وجودش تواضع و خضوع به وجود بیاید و خوف و حزن در وجودش ظاهر شده و کبر و عُجب رخت از وجودش بر بندد.

۱۰- فرار از زندان شیاطین؛ نیازمند مجاهدتهای بسیار و ریاضتهای سخت و سنگین است. هر کس در این جهاد شرکت نکند نفسش هدف تیرهای وسوسه شیاطین قرار خواهد گرفت و از حزب آنها محسوب خواهد شد.

### جایگاه شیطان در آدمیان:

إنّ الشیطان لیجزی من بنی آدم مجری الدّم؛ وجود شیطان در آدمیان مانند جریان خون در رگهاست. جایگاه او جایگاه خون است در جان - پس اگر این میکروب در بدن وارد شود دیگر اعضا را نابود خواهد کرد پس مراقبت از جان، مصون نگه داشتن بدن از نفوذ شیاطین است

والسلام علی من اتبع الهدی

منابع:

- ۱- قرآن الحکیم
- ۲- قاموس لغات قرآن - سید علی اکبر قریشی
- ۳- تفسیر نور - حجت الاسلام قرائتی
- ۴- جامع السعادات ملا نراقی